

روش‌شناسی آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی

سیدحمیدرضا علوی* / مهناز حاج غلامرضایی**

چکیده

از آنجا که ارزش‌ها در ایجاد ثبات در شخصیت افراد و حیات اجتماع بسیار مهم و به‌عنوان عاملی تأثیرگذار می‌باشد، آموزش و اشاعه صحیح آنها امری ضروری است. این تحقیق به ارائه روش‌هایی در جهت آموزش ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌پردازد. تحقیق حاضر نظری و از نوع توصیفی - تحلیلی است و نتایج آن، بیانگر ارائه یک روش جدید به نام روش پله کانی آموزش ارزش‌هاست. این روش از سه مرحله قبل از آموزش یا «آمادگی و آگاهی»، مرحله آموزش یا «پایه گذاری» و مرحله بعد از آموزش یا «پرورش» تشکیل شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش ارزش‌ها، ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های دینی، روش پله کانی آموزش ارزش‌ها.

* استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

hemmtali57@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان - دانشکده ادبیات

دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۱۹

مقدمه

یکی از مباحث اساسی تعلیم و تربیت هر جامعه، توجه به موضوع مهم و تعالی بخش ارزش‌ها است. ارزش‌ها اموری مطلوب و ارزنده‌اند و آدمی را بدانها نیازمند است. ارزش‌ها موجب ایجاد انگیزه درونی در افراد برای انجام فعالیت‌ها، وظایف و در نتیجه ایجاد حرکت، تحول و دگرگونی در آنها می‌شوند. یکی از مسائلی که ذهن انسان را همواره به خود مشغول داشته، تشخیص و تعیین ضوابطی است که به کمک آنها بتوان «خوب» را از «بد»، «رفتار اخلاقی» را از «غیر اخلاقی» و «رفتار انسانی» را از «ضد انسانی»، متمایز ساخت. کیفیت زندگی ما و چگونگی رفتار و مناسبات و روابطی که با یکدیگر داریم، مستقیماً متأثر از نظام ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که بدان پایبندیم. «همه مسائل زندگی ما از دواج، شغل، تحصیل و مناسبت‌های فکری تحت تأثیر ارزش‌هاست. ارزش‌ها به زندگی ما رنگ می‌دهند و باعث داوری و قضاوت ما دربارهٔ یک امر یا مسئله‌ای می‌شوند.»^۱

ارزش‌ها تعیین می‌کنند که شما چه کسی هستید و رفتارهای شما چگونه است. همان‌گونه که دنیا و نعمت‌های آن، امانتی است که پس از ما به فرزندانمان به ودیعه می‌سپاریم، به همان اندازه هم باید در ارتباط با تربیت و انتقال ارزش‌ها به فرزندان خود، دقت کنیم. آیین تکلیفی بس دشوار است، اما برای سربلند شدن در آن، باید برنامه‌های منسجمی را برای آموزش ارزش‌ها منطبق با مبانی رشد کودکان برای آنها پیاده کنیم. این خود مستلزم اجرای روش‌های تدریس دقیق و مناسب می‌باشد.

طرح مسئله

ارزش‌ها همان اعتباراتی هستند که انسان‌ها به نوعی در مقام عمل به آنها ملتزم و پایبند هستند. سعادت و سلامت جامعه در گرو تحقق انسانیت واقعی، و انسانیت واقعی در گرو شناخت و عمل به ارزش‌های اصیل انسانی، به ویژه ارزش‌های دینی و اخلاقی است. ارزش‌ها، یکی از زیرساخت‌های مهم تربیت به شمار می‌آیند.^۳

در فرایند رشد کودکان، آنان همواره در معرض ارزش‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و ممکن است آنها در میان این ارزش‌ها، دچار سردرگمی گردند. از این‌رو، لازم است ارزش‌های درست و چپست آنها برای کودکان تشریح شود و چگونگی بازشناسی

ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها به آنها آموزش داده شود تا همزمان با رشد جسمانی، یادگیری ارزش‌ها نیز صورت گیرد. «ارزش‌ها در حقیقت عبارتند از: عمل‌گزینش که آدمی در اوضاع مختلف زندگی به آن تکیه می‌کند و جهت‌گیری‌های اساسی و میل‌های عمیق و ریشه‌دار او و اشیایی را که نزد او از احترام و تقدس بهره‌مند هستند را در بر می‌گیرد.»^۴

بروس کوئن می‌گوید: «ارزش‌ها باورهای ریشه‌داری هستند که گروه اجتماعی، هنگام پرسش دربارهٔ خوبی‌ها و بدی‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌کند.»^۵

«ارزش‌ها» در زندگی بشر، با همهٔ تفاوت‌ها و تضادهایی که در نمودها و فرهنگ‌ها دارد، در بقاء جوامع و در رشد و ارتقای آنها نقش اساسی ایفاء می‌کند. بنیان هر جامعه، خانواده و.. به ارزش‌های حاکم بر آنها وابسته است. عدم آگاهی از ارزش‌های والای انسانی و انحراف از حوزهٔ ارزش‌های برتر به سمت ضد ارزش‌ها، می‌تواند موجب انحطاط کامل آنها گردد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه ما هر روز در جامعه شاهد تبلیغ ضد ارزش‌هایی هستیم که کودکان، نوجوانان و جوانان ما در معرض خطر گرایش به سوی آنها هستند، نقش حیاتی آموزش ارزش‌ها بسیار ضروری می‌نماید و برنامه‌ریزی در جهت به کارگیری روش‌های تدریس مناسب و کارآمد، می‌تواند راهگشای مؤثری در جهت کمک به این مسئله باشد.

حضرت علی علیه السلام در نامهٔ ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آمادهٔ پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.»

اگر واقعا هدف یک سیستم آموزش ساخت زندگی شاد و صلح آمیز برای انسان باشد، بایستی توجه و تمرکز دائمی بر روی افکار، احساسات، طرز فکرها، اعمال و سرانجام ارزش‌ها در زندگی انسان داشته باشد. سیستم آموزشی، با وجود تمام پیچیدگی‌ها و ریزه‌کاری‌هایی که دارد، تا زمانی که از ارزش‌های زندگی انسانی غفلت کند، یا اهمیت شایسته‌ای به آنها ندهد ناقص است و مشکلات و رنج‌های بشر علی‌رغم انفجار فوق‌العاده علم برای همیشه افزایش خواهد یافت.^۶

«بایستی دقت کرد همان اندازه که توجه به خود ارزش‌ها مهم است، التفات به شیوهٔ اجرایی و تکنیک‌های کاربردی آنها هم بسیار مهم است.»^۷

در اینکه آیا ارزش‌ها قابل آموزش دادن هستند یا نه؟ باید گفت: از دیدگاه اسلام، با توجه به فلسفهٔ بعثت پیامبران و نزول کتاب آسمانی به‌عنوان راهنمایان بشریت، می‌توان

گفت ارزش‌ها را هم می‌توان و هم باید آموزش داد. اما نکته مهم در اینجا چگونگی آموزش ارزش‌ها است.

بنا به گفته لرنر «خواهی نخواهی، آموزش و پرورش سیراب کردن ارزش‌هاست». گیجر نیز با همین شدت بر همین نکته تاکید می‌کند. پدر و مادران نیز از مدرسه انتظار دارند که ارزش‌ها را بیاموزند. *والث* می‌گوید: «بر اساس نظر مؤسسه گاتوپ در آخرین گزارش سالانه خود راجع به آموزش و پرورش آمریکا، ۷۹ درصد مردم مصاحبه شده طرفدار آموزشی در مدارس هستند، که با اخلاقیات و رفتار اخلاقی سر و کار داشته باشد.»^۸

تحول اخلاقی، دینی و به طور کلی ارزشی در نوجوانان و جوانان، بیش از هر دوره سنی دیگری است. رشد سریع شناختی در آنها موجب می‌شود که بهتر بتوانند درباره مسائل اخلاقی، دینی و ارزشی قضاوت کنند و در برخورد با این مسائل، واکنش دقیق‌تر و پیچیده‌تری نشان دهند. زمانی که فرزندان ما با مجموعه‌ای وسیع از تغییرات درونی و بیرونی و تعارض‌های ناشی از ارزش‌های گوناگون روبرو می‌شوند، باید جایگاه مطمئنی برای رشد و دوام خود دست و پا کنند. از آنجایی که آنها از تجربه کافی برای برخورد صحیح با مسائل پیچیده اخلاقی، و دینی و ارزشی، که با آنها روبرو می‌شوند، برخوردار نیستند، ضرورت آموزش ارزش‌ها، از طریق ارائه روش‌های تدریس مناسب بیشتر نمایان می‌شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیق کیفی است و با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. مراحل جمع آوری اطلاعات عبارت است از: کتاب‌شناسی و مآخذ‌شناسی، مطالعه تمامی آیات قرآن کریم و تمامی حکمت‌ها و چهار خطبه از نهج البلاغه و احادیث معتبر، ترجمه پاره‌ای از متون انگلیسی، استفاده از تجارب شخصی در زمینه آموزش، فیش‌برداری، تلفیق، عنوان بندی و طبقه‌بندی مطالب و در نهایت نگارش تحقیق حاضر.

با توجه به بدیع بودن موضوع تحقیق، تحقیقات متناسب با این تحقیق به ندرت یافت می‌شود. در رساله‌ای تحت عنوان «در تکاپوی رسیدن به مدلی از توسعه فرهنگ و ارزش‌های

اسلامی»، جستاری در نظریه پیشنهادی شهید آیت‌الله صدر» می‌خوانیم:

یک الگوی اسلامی توسعه از نگاه شهید صدر، بیش از هر چیز مدلی برای توسعه نظام ارزشی انسان‌هاست. در یک جامعه دینی، توسعه فرهنگ و ارزش‌ها باید خاکریز اول هر

نوع توسعه و ساماندهی اجتماعی باشد؛ چرا که چنین جوامعی ملاک نهایی توسعه را قرب الی الله از مسیر التزام به احکام و سیستم ارزشی و اعتقادی اسلام می‌دانند.^۹ همچنین در تحقیق دیگری با عنوان «راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی» چنین می‌خوانیم:

بحث درونی شدن ارزش‌ها بر اساس این پایه نظری انجام می‌شود که عمل آدمی بر مبنای سه گانه شناختی، گرایشی و ارادی شکل می‌گیرد. بنابراین، درونی شدن ارزش‌های اخلاقی به این معناست که این مبنای مناسب در مورد رفتارهای ارزشی، در درون فرد فراهم گردد. این تحقیق از سه دسته روش‌های مستقیم، نیمه مستقیم و غیرمستقیم برای فراهم آوردن مبنای شناختی رفتار اخلاقی سخن می‌گوید^{۱۰}

روش پله کانی آموزش ارزش‌ها

روش جدیدی است که محقق برای آموزش ارزش‌ها ارائه نموده است که از سه مرحله اصلی تشکیل شده است. در این مقاله، به طور بسیار مختصر به شرح آنها می‌پردازیم:

۱. مرحله اول

مرحله قبل از آموزش یا «آمادگی و آگاهی»: در این مرحله، مربی بایستی ذهن متربی را از عوامل نادرست پاک نموده و زمینه و آمادگی لازم را برای آموزش مناسب ارزش‌ها فراهم سازد. این مرحله نیز دارای مراحل دیگری به شرح زیر است:

تعیین هدف

مربی باید با ظرافت خاصی هدف از آموزش ارزش‌ها را برای متربی تشریح نموده، بر اهمیت حصول آن تأکید کند. «آنچه آدمی را به سوی مقام والای خود می‌کشاند و در نتیجه، به رشد شخصیتش می‌انجامد، داشتن هدف‌های ارزنده در زندگی است، هر چه هدف‌ها عالی‌تر باشند، شخصیت آدمی رشد بیشتری خواهد یافت.»^{۱۱}

ایجاد عشق و علاقه و انگیزه نسبت به وصول هدف

وقتی متربی به اهمیت یک ارزش پی برده و از نقش آن در زمینه حفظ و دوام زندگی آگاهی یابد، کمترین انگیزه‌ای می‌تواند او را به پایبندی به آن ارزش ترغیب و تشویق کند.^{۱۲} رسیدن به هدف، مشروط به فراهم نمودن وسایل و ملزومات مورد نیاز، رفع موانع احتمالی و ایجاد انگیزه برای نیل به هدف در متربی می‌باشد. «رغبت و علاقه شاگرد، کوشش او را برمی‌انگیزد و او را تحریک می‌کند تا در مقابل محیط عکس العمل مناسب

نشان دهد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «دلها میلی دارند و اقبالی و ادباری، کوشش کنید، دل‌ها را از ناحیه میل آنها پرورش بدهید.»^{۱۳}

شناخت متربی و تعیین نقطه شروع

مطمئن‌ترین راه برای حصول به یک هدف تربیتی، شناخت متربی و تشخیص میزان آمادگی و تعیین نقطه شروع آموزش می‌باشد. *غزالی* انسان‌ها را از لحاظ توانایی تغییر اخلاق، به چهار درجه تقسیم می‌کند: «انسان‌هایی که توان تشخیص نیک و بد و حق و باطل را ندارند، افرادی که زشتی کار زشت را می‌دانند، اما از شهوت و غضب متابعت می‌کنند، افرادی که زشتی کار زشت را نمی‌دانند و خوی بد در نظر آنها زیبا جلوه می‌کند و افرادی که به کار زشت و ناروا مباهات می‌کنند.»^{۱۴}

از این‌رو، باید با ایجاد یک ارزشیابی تشخیصی و محک زدن متربیان، به شناخت توان فکری و عقیدتی آنها اقدام نموده و گام آغازین آموزش خود را بر پایه این شناخت استوار نماید.

تزکیه قبل از تعلیم

مربی باید پیش از شروع آموزش، به متربی کمک کند تا بتواند با اصلاح معارف و افکار غلط و یا اخلاق ناپسند، گنجایش ظرف معرفتی او را افزایش داده و او را آماده دریافت معارف صحیح و اخلاق پسندیده گرداند. «دل انسان حکم زمینی را دارد که کشاورز می‌خواهد آن را کشت کند. در ابتدا، کشاورز زمین را از علف‌های هرز و ریشه و مواد زائد، که مانع رشد می‌شود، خالی می‌کند. خداوند «یزکیهم» به معنای تهذیب و تزکیه را قبل از «یعلمهم» بیان فرموده‌اند.»^{۱۵}

«*غزالی* همه صفات ناپسند دانشمندان را مسبوق به عدم تزکیه نفس و نیاموختن حکمت دینی می‌داند. وی، تعلیم بی تزکیه را فساد آور می‌داند و اشعار می‌دارد که جمع علم حقیقی و گناه با هم نمی‌سازد.»^{۱۶}

به فرموده حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ *نهج البلاغه*، باید تلاش نمود تا قبل از آنکه قلب فرد سخت شود و عقلش به امور دیگر مشغول شود، به تربیت او اقدام کرد. یکی از روش‌های بسیار مؤثر در این راستا، روش ابطال و اثبات (پاک کردن مبانی غلط و جایگزین کردن مبانی صحیح) می‌باشد.

ایجاد آگاهی نسبت به اصول اولیه مقوله ارزشها: (توضیح و تبیین ارزش و ضد ارزش)
در این مرحله، مربی با تشریح کامل معنای ارزش و ضدارزش و ارائه مثال‌هایی، (برحسب سن و توانایی متربی) تا حدودی آنها را با این مفاهیم و حدود تقریبی آنها آشنا می‌سازد. این امر، صرفاً برای هموارسازی مسیر برای شروع مرحله آموزش صورت می‌گیرد.

۲. مرحله دوم

مرحله آموزش یا «پایه گذاری»: در این مرحله، محقق به ارائه سی و چهار روش فرعی آموزش ارزش‌ها می‌پردازد. مربیان می‌توانند به صلاح‌دید خویش، یک یا چند روش، یا ترکیبی از چند روش را انتخاب نمایند. «غزالی معتقد است: هر فرد با فرد دیگر متفاوت است. همان‌گونه که اجسام و ابدان مردم از لحاظ مزاج متفاوتند و نمی‌توان همه آنها را با یک روش و دارو درمان نمود.»^{۱۷}
روش‌های فرعی آموزش ارزش‌ها عبارتند از:

شعر

افلاطون نخستین فیلسوفی است که به راز تأثیر شعر و موسیقی و هنرهای زیبا در پرورش منش آدمی پی برده است.^{۱۸}
خواجه نصیرالدین طوسی، به دلیل تأثیر قوی شعر در کودک و به جهت تثبیت و تأکید معانی اخلاقی، توصیه به حفظ شعر توسط طفل کرده است.^{۱۹}
شعر، یکی از جذاب‌ترین شیوه‌های آموزش ارزش‌هاست. جذابیت آن به حدی است که ذهن و روان مخاطب را به سوی خود می‌کشاند و آموزه‌های اخلاقی و معنوی خود را به آنان تفهیم می‌کند.

بازی

سقراط نقش بازی را نه تنها در رشد و پرورش کودکان و نیز تحول منش آنان به خوبی بیان می‌کند، بلکه آن را زمینه‌ای می‌داند برای شناختن توانایی‌های ایشان.^{۲۰}
مربی باید بر اساس ارزشی که قصد آموزش آن را دارد (هدف)، نوع بازی (معیار)، بازی‌هایی را تدارک ببیند که حداقل دارای یک یا چند نکته از ارزش‌های اخلاقی یا دینی باشند. مقوله بازی در هر سنی قابل طرح است و فقط نوع آن متفاوت است.

تقویت نگاه

در این روش، مربی با استفاده از نیروی عظیم قوه بینایی فرد در درک مسائل، به او آموزش می‌دهد. به این ترتیب، که تصاویر یا جملاتی از جمله احادیث، حکمت‌ها، یک بیت شعر، ضرب‌المثل و یا سخنان اندیشمندان جهان، تصاویر و یا کاریکاتورهایی را که دارای مضامین ارزشی می‌باشند، هر روز در معرض دید مربی قرار می‌دهد.^{۲۱}

داستان‌گویی

از جمله روش‌هایی است که قرآن کریم برای ترغیب انسان‌ها به دینداری و ارشاد و هدایت به صلاح و سداد به کار برده است.^{۲۲} «داستان‌گویی شیوه‌ای است که در عین جذابیت و همراه کردن شنونده با خود، زمینه‌ای عاطفی برای قبول اغراض داستان را فراهم می‌کند.»^{۲۳} مربی می‌تواند بسته به سن مربی، از انواع داستان‌های مذهبی، تاریخی یا ادبی با محتواهای ارزشی استفاده نماید.

افلاطون ارزش و اهمیت داستان‌ها و افسانه‌ها را در تربیت کودک دریافته و می‌گوید: «باید پرستاران و مادران متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می‌کند، به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می‌کند.»^{۲۴}

مقایسه

«مقایسه» می‌تواند به شکل جملات سؤالی و یا خبری مطرح شود. در فرم سؤالی، مربی مربی را در برابر دو انتخاب قرار می‌دهد و مربی باید با در نظر گرفتن جوانب مختلف، یکی را انتخاب نماید. (زمر: ۹). در فرم خبری مقایسه، مربی با ایجاد مقایسه میان دو موضوع مختلف و بیان ارزش واقعی، قصد آگاهی دادن به مربی را دارد (انعام: ۱۶۰). در بعضی از فرم‌های خبری، مربی سعی می‌کند تا ضمن مقایسه میان دو موضوع ارزشی، بلافاصله پاسخ صحیح را بیان نماید. (نساء: ۹۵). می‌توان مقایسه‌های ذکرشده را به اشکال زیر به کار برد: مقایسه میان دو ارزش، انتخاب ارزش برتر و رعایت سلسله مراتب ارزش‌ها (عنکبوت: ۸)، مقایسه میان یک ارزش و ضد ارزش (اعراف: ۳۶-۳۵)، مقایسه میان یک ارزش و شبه ارزش (حکمت: ۹۲).

تصویرسازی

این روش به دو شکل صورت می‌پذیرد. الف. تصویرسازی از آینده: در این روش، مربی، با صحنه‌سازی و پردازش تصویری از گرداب حوادثی که در صورت عمل به ضد ارزش‌ها، در

آینده اتفاق خواهد افتاد، آموزش دهندگان را وارد یک دنیای مجازی می‌کند تا با مشاهده صورت‌های ذهنی جدید، به کسب تجربیات انتزاعی بپردازند. (زلزله: ۲-۱) ب. تصویر سازی از گذشته: در این روش، مربی می‌تواند مربی را به سوی عوالم گذشته سوق دهد تا با دیدن نتایج اعمال گذشتگان، دریچه‌ای تازه، اما به شکلی ملموس در برابر دیدگان آنان باز نماید. (احقاف: ۲۵-۲۴). این روش را می‌توان با سایر روش‌ها تلفیق کرد.

مشاهده و تقلید

تقلید کورکورانه و از روی ناآگاهی، امری ناپسند و مطرود می‌باشد؛ در این روش جنبه مثبت تقلید، که به معنای الگو دهی می‌باشد، مورد توجه است. این روش برگرفته از نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا می‌باشد. وی بخش وسیعی از یادگیری را از طریق مشاهده و تقلید می‌داند. لیبرت و اسیگلر، سه مرحله را در تبیین نقش فرد در یادگیری مشاهده‌ای بیان می‌کنند: ۱. مشاهده؛ ۲. اکتساب؛ ۳. پذیرش.^{۲۵}

«ارزش‌ها حاصل تجربه افرادند و از پدر به پسر و سایر اعضای خانواده، بسته به مقدار قاطعیت و قدرت فرد، منتقل می‌شوند. انتقال ارزش‌ها از طریق تقلید و الگوسازی صورت می‌پذیرد.»^{۲۶}

عمل و رفتار مربی، که زیر ذره بین چشم و دستگاه تصویربرداری مربی است، تأثیر ژرف و شگرفی در تعلیم و تربیت او دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردم را با اعمالتان، نه فقط با زبان‌هایتان (به سوی خدا) فرا بخوانید.»^{۲۷}

تقلید باید آگاهانه باشد و مربی بایستی هنگام مشاهده یک رفتار، تنها رفتارهایی را تقلید نماید که براساس موازین عقل و شرع باشند.

مشاهده و تقابل

زمانی که مشاهده کننده، درست در جهت مخالف رفتار مشاهده شده، عمل نماید، «تقابل» صورت گرفته است.^{۲۸} در این روش، مربی می‌تواند به تشریح صفات ناپسند فردی بپردازد که مربیان او را می‌شناسند و اعمال ناشایست او را دیده اند و با تأکید بر زشتی اعمال وی، به ایجاد تقابل مستقیم در رفتار متربیان بپردازد.

معرفی و تقلید

در این روش، مربی به طور مستقیم الگویی را مشاهده نمی‌کند، بلکه مربی، به معرفی یک

الگوی برجسته می‌پردازد و متربی تنها با شنیدن یا خواندن محاسن وی، به الگوبرداری از الگوهای ارائه شده می‌پردازد. (احزاب: ۲۱)

معرفی و تقابل

در این روش، مربی می‌تواند شخصی را که رفتار و گفتارش حاکی از عمل به ضد ارزش‌ها و نادیده گرفتن ارزش‌ها است، به متربی معرفی نماید و با بیان نکات منفی شخصیت و نظام ارزشی وی، ذهن متربیان را نسبت به اعمال ناشایست و پیامدهای رفتار ضد ارزشی وی روشن نماید.

تمثیل

«مثل» بیان یک موضوع به صورت دیگری است، به نوعی که بین آن دو شباهت وجود داشته باشد و با بیان آن، موضوع اول روشن تر گردد. «مثل» آنچه را که پوشیده و نامعلوم است، آشکار می‌کند.^۹ مربی می‌تواند از مثال جهت بیان اغراض حقیقی خود استفاده کند و با ترسیم معقولات به شکل محسوسات، درک مفاهیم ارزشی را برای متربی ممکن سازد.^{۳۰} مثال‌های قرآن دارای فواید تربیتی فراوانی می‌باشند: هرگز نباید به معنای سطحی مثال‌ها توقف کرد، بلکه با اندیشیدن درباره آنها بایستی به معانی عمیق آنها پی برد. (بقره: ۲۶۱ و ۲۶۴؛ آل عمران: ۱۱۷)

سؤال تأکیدی یا برانگیزاننده

در این روش، لزوماً متربی نباید پاسخی به سؤال مطرح شده بدهد. در مواقع لزوم، پس از طرح سؤال، پاسخی کوتاه، از سوی مربی ارائه می‌شود و گاهی نیز، سؤال برای جلب توجه متربی، به نکته خاصی پرسیده می‌شود و مربی منتظر پاسخ نمی‌ماند. در این روش، طرح یک سؤال، متربی را به اندیشه‌ای وا می‌دارد که در فراسوی آن، به بیداری فطرت وی منتهی می‌گردد و جرقه‌ای است در جهت ایجاد انگیزه و عمل. این روش در جهت جلب توجه، به اشکال زیراستفاده شده است: ۱. طرح یک سؤال و در پی آن، بیان یک تذکر (اسراء: ۴۰)؛ ۲. طرح یک یا چند سؤال و در پی آن، پاسخی کوتاه (مؤمن: ۱۶)؛ ۳. طرح چندین سؤال پی در پی و در انتها، پاسخی کوتاه (رعد: ۱۶)؛ ۴. بیان یک تذکر و سپس، طرح یک سؤال (مریم: ۶۵)؛ ۵. طرح یک سؤال آمیخته با قیاس (رعد: ۱۹)؛ ۶. بیان یک

جمله خبری و سپس، طرح یک یا چند سؤال در ادامه بیان یک جمله خبری دیگر (کهف: ۵۰)؛ این روش از جمله روش‌های مؤثر می‌باشد که می‌تواند در ایجاد فتح باب آموزش ارزش‌ها و جلب توجه و تفکر در متربی مورد استفاده قرار گیرد.

سقراطی یا دیالکتیک

سقراط در روش خود، ابتدا با پرسش‌های پیوسته، طرف بحث را به جهل یا خطای خود متوجه می‌ساخت و آن پس، در صدد بود تا او را به علم برساند. در روش سقراطی، به محض پی بردن شاگرد به خطای خود، پرسش‌ها، متوقف نمی‌شوند، بلکه ادامه می‌یابد تا شاگرد به علم برسد. «شرط بحث این است که آدمی آماده باشد که در صورت آشکار شدن نادرستی عقیده اش مجاب شود و اگر سخن حریف درست نبود، با کمال رغبت او را مجاب کند.»^{۳۱}

سؤال و جواب

در این روش مربی سؤال را مطرح می‌کند و متربی بایستی پاسخ دهد. سؤالات بایستی حاوی کلماتی از قبیل چرا، چطور، خلاصه کن، و... باشد تا متربیان تشویق شوند، با تفکر پاسخ دهند و میان مطالب رابطه معناداری ایجاد کنند. متربی می‌تواند در آموزش ارزش‌ها، به طراحی سؤالات مناسب در زمینه ارزش‌های اخلاقی و دینی بپردازد.

ابطال، تخلیه، جایگزینی

این روش تحت عنوان کلی روش ابطال سؤال، تخلیه ذهن از مبانی سؤال و جایگزینی مفاهیم مناسب در آن است که برگرفته از روش سؤال و جواب به سیره معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. در این روش طالب دانش، پرسشی را مطرح می‌کند و پاسخ آن را از معصوم علیه‌السلام می‌شنود. اما در روش کنونی، سؤال و جواب، استاد سؤال را مطرح می‌کند و شاگرد پاسخگو می‌باشد. در این روش، معلم به سؤال متربی و مبانی آن توجه می‌کند، اگر مبانی سؤال نادرست باشد، سؤال رد می‌شود و مبانی صحیح جایگزین آن می‌گردد.^{۳۲}

تحلیل دعا

دعا یکی از گنجینه‌های غنی و سرشار از معارف اصیل و فضایل دینی و اخلاقی و کلامی، هم‌نوا با نوای فطرت و راهنمایی، جهت تعدیل و هدایت خواسته‌های انسان به سوی

مقصد و مأوایی حقیقی است. مربی باید ضمن تأکید بر اهمیت دعا، از متریبان بخواهد با دقت بر روی مضامین و محتوای دعا بیاندیشند؛ زیرا مضمون دعاها با بیانی بسیار شیوا، جذاب و لطیف مرز میان ارزش‌های دینی و ضد ارزش‌ها را نمایان می‌کنند.

بیان حکمت و برهان

در این تحقیق، «حکمت» هم به معنای پند حکیمانه و هم به معنای دلیل و برهان انجام کار، به کار رفته است. در قرآن به اهمیت تعلیم و تعلم حکمت اشاره شده است. (جمعه: ۲) تعلیم حکمت بدین معنا است که حق، هم در حوزه اعتقادات و هم در حوزه عمل، بیان گردد و باورهای باطل و خرافی از افکار مردم زدوده شود و اعمال ناشایست به آنان یادآوری گردد.^۵ (جاثیه: ۲۴؛ عنکبوت: ۶۴؛ سبا: ۳۳) در این روش، مربی با استفاده از بیان حکمت ارزش‌ها، به آموزش آنها اقدام می‌کند. جاذبه حکمت‌ها در میان افراد، به میل شدید آنها به دانستن ادله عقلی و منطقی است.

تحلیل آیات قرآن

در قرآن می‌خوانیم: «به راستی این قرآن به آیینی، که از همه آیین‌ها استوارتر و جامع‌تر است، هدایت می‌کند». (اسراء: ۹) قرآن گنج بی‌بدیل و ثروت بی‌حد و گنجینه‌ای عظیم در معرفی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است. مربی می‌تواند، با تحلیل آیات قرآن، به استخراج ارزش‌های نهفته در آن بپردازد.

استفاده از رسانه‌ها

مربی می‌تواند از طریق وسایل ارتباط جمعی، به ویژه وسایل سمعی و بصری به آموزش ارزش‌ها بپردازد. در این میان، نقش رسانه‌های تصویری، به ویژه فیلم بارزتر است. «ثابت شده است که انسان با دیدن اشیاء یا تصویر آنها و به کار بردن حواس، بهتر و آسان‌تر و زودتر می‌تواند بشناسد و درک کند و آنچه بدین وسیله فرا می‌گیرد، در خاطرش پایدارتر است.»^{۳۶} از طریق فیلم، می‌توان ارزش‌های غیر ملموس را به شکل عینی و ملموس به تصویر کشید.

تحلیل تاریخ و عبرت آموزی

مطالعه تاریخ و سرگذشت پیشینیان، وسیله عبرت و آگاهی و منبع رشد عقل و تکامل اندیشه است. بسیاری از آیات قرآن مشتمل بر این روش است. «مربی و معلم ماهر و دانا

نمی‌گذارد که حوادث و پیش آمدها، بیفایده بگذرند و به هدر روند، بلکه از آنها درس عبرت می‌گیرد و تجربه مفید کسب می‌کند و برای تربیت و تهذیب جان‌ها از آنها استفاده می‌کنند.^{۳۷}

۲-۲۱. موعظه و انذار

هر چند روش‌های متکی به زبان و گفتار، در مقایسه با روش‌های عملی، از نفوذ و تأثیر کمتری برخوردارند، اما هرگز مردود شمرده نمی‌شوند.^{۳۸} موعظه یک نیاز طبیعی است، ممکن نیست کسی از آن بی‌نیاز باشد. پندپذیری استعدادی است که در جان آدمی نهاده شده و او را برای پذیرش تربیت آماده کرده است. قرآن سرشار از موعظه است. (آل عمران: ۱۳۹ و ۱۳۸؛ هود: ۴۷ و ۴۶).

۲-۲۲. تذکر و یادآوری

«تذکر و یادآوری از جمله روش‌های موعظه است که برای جلب توجه افراد به مسائل اخلاقی و رعایت آداب اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فذكر انما انت مذكر.» (غاشیه: ۲۱)^{۳۹} مربی باید بداند که هدف از تذکر، هدایت و احیای شخصیت متربیان است. از این‌رو، باید از این روش با احتیاط و نهایت ظرافت و بدون آسیب رساندن به شخصیت متربی استفاده نماید.

ایفای نقش

در روش ایفای نقش، ضمن آنکه کودک در شناخت و درک دیگران تجربه‌هایی می‌اندوزد، حالت خود محوری او رو به نقصان می‌رود. مربی باید بر اساس هدف و سن و توان متربی، موضوعی اخلاقی یا دینی انتخاب و با مهارت لازم، متربیان را جهت ایفای نقش آماده کند و خود هدایت کننده آنها باشد تا متربیان از طریق مشاهده یا ایفای نقش، ارزش‌های نهفته در نقش را فرا گیرد و از ضد ارزش‌ها دوری جویند.

تحلیل و تصریح ارزشها

در این روش، معلم سؤالی مطرح می‌کند و کمک می‌کند تا متربیان درباره موضوع فکر کنند، بخوانند، بنویسند و صحبت کنند. در ضمن اینکه به موضوع توجه می‌کنند، یک مجموعه از مراحل یا مهارت‌های ارزشگذاری شامل درک احساسات افراد، امتحان راه حل‌ها، در نظر گرفتن عواقب ناشی از انتخاب‌های مختلف و... را به کار گیرند. در این

روش، متریبان با استفاده از قضاوت‌های اخلاقی و مهارت حل مسئله، به کمک مربی، به تحلیل و ارزیابی سؤالات مطرح شده می‌پردازند و در نهایت، به انتخاب درست دست می‌یابند. این فعالیت، موجب بالا رفتن انگیزه و ایجاد اعتماد به نفس در متریبان می‌گردد.^{۴۱} به طور کلی، در این روش مربی باید در ضمن اینکه هدایتگر ماهری است، مهارت‌های تحلیل و ارزیابی را به متریبان آموزش دهد تا به راحتی به یک نتیجه منطقی دست یابند.

مناظره

زمانی که فرد ذهنیتی منفی داشته باشد و از طریق تحلیل، تصریح و مباحثه به امری قانع نگردد و بر صحت عقاید خود اصرار ورزد، از این روش استفاده می‌شود. «در اسلام یکی از راه‌های تبلیغ مناظره است. در قرآن از مناظره، با عنوان «جهاد کبیر» یاد شده است. (فرقان ۵۲): مانند بحث و مناظره حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرود بن کنعان. (شعرا: ۳۰-۲۳)»^{۴۲}

سنّتی یا تلقین

در اوان کودکی تحت تأثیر وابستگی و رابطه عاطفی شدید با خانواده، و به ویژه والدین، بسیاری از عقاید به ما تلقین شده است؛ از این رو، بسیاری از ارزش‌های ما اکتسابی هستند که البته پاره‌ای از آنها هم نادرست بوده‌اند. تلقین اگر با تکیه بر معرفت و علم صورت گیرد، می‌تواند از جمله راهکارهای تربیت و یا اصلاح باشد.

به مرور زمان، که رشد ذهنی و محیطی کودکان افزایش می‌یابد و به همان اندازه که ایمنان در آنها رشد می‌کند، شک و تردید نیز در آنها ایجاد می‌شود. این امر وظیفه معلمان را سنگین‌تر می‌کند، تا با آموزش صحیح ارزش‌ها و نه با تحمیل عقاید و اجبار این شک را برطرف نموده، زمینه آموزش صحیح بچه‌ها را فراهم آورند.^{۴۳} «تربیان اخلاق از طریق تلقین و القای باورهای دینی و اخلاقی در اذهان و نفوس افراد تحت تربیت خود، به موفقیت‌های بزرگی نائل شده‌اند»؛

مربی می‌تواند با توجه به تأثیر زیاد تلقین، به ویژه بر روی کودکان و نوجوانان، از این روش جهت آموزش و تحکیم جایگاه ارزش‌ها و منسوخ و نابود ساختن ضد ارزش‌ها، در اذهان متریبان استفاده نماید.

فراگیر

ما همه، خواسته یا ناخواسته، در برابر انتخاب‌های سخت دشواری قرار می‌گیریم که حتی موفق‌ترین تلقین‌های آموخته شده از طریق روش سنّتی هم نمی‌توانند به ما در حل آنها

یاری رسانند. انتخاب‌های ارزشی و بروز معضلات اخلاقی خاصی دربارهٔ دوستان، خانواده، مواد مخدر و الکلی، مسائل جنسی و... را نمی‌توان صرفاً با کمک تلقین‌های آموخته شده بر طرف نمود.

در این مواقع، «راه حل» دور انداختن تجربیات قدیمی نیست، بلکه با ترکیب عناصر مثبت، روش سنتی یا تلقینی و روش‌های جدید و مترقی، که در آنها به متریان کمک می‌کنیم که خودشان فکر کنند و تصمیم بگیرند، روش جدیدی به نام «روش فراگیر» پیشنهاد می‌شود. در این روش، کودکان خودشان به نتیجه اخلاقی می‌رسند، الگو می‌گیرند و در عین حال، به سخن عقل خود گوش می‌دهند، تصمیم می‌گیرند و رفتارهای اخلاقی صادر می‌کنند.

ما باید به آنها یاد دهیم که هم «نه گفتن» را به کار برند، هم «بله گفتن»؛ «نه گفتن» به سیگار، مواد مخدر، انحراف جنسی و... و «بله گفتن» به شیوهٔ سالم زندگی، حضور در زیارتگاه‌ها، مکان‌های سالم تفریحی، ورزشی و... دیر یا زود جوانان ما به دنبال موقعیت‌هایی هستند که نیاز دارند خود تصمیم بگیرند. درست است که باید با تلقین آنها را پرورش دهیم تا محتاط، آبرومند و مؤدب باشند؛ اما همچنین باید به آنها بیاموزیم آزاد باشند و در کنار این آزادی، با سنجیدن همه جوانب و تحلیل مسائل، با قضاوت و استدلال منطقی و معقولانه، موضعی محکم را در رابطه با مقوله ارزش‌ها اتخاذ کنند.^{۴۵}

قرار گرفتن در محیط ارزشی

محیط بیرون می‌تواند تأثیر بسزایی در آموزش ارزش‌ها، و بخصوص در آموزش اخلاق داشته باشد. کارشناسان تربیتی معتقدند که محیط بیرون، عامل مهمی در ساخت و تکمیل شخصیت افراد می‌باشد. ایشان همچنین به محیط‌های هنری اشاره می‌کنند و از تأثیر زیاد آنها در آموزش اخلاق نام می‌برند.^{۴۶} «محیط‌ها با هم متفاوتند. اما نکته قابل توجه این است که محیط‌ها از هم مجزا نیستند، بر هم اثر می‌گذارند.^{۴۷}

روشن است که هر یک از محیط‌ها به نوعی در بردارنده ارزش‌های خاصی می‌باشد.

همدلی

«توسعه یکدلی» جزء ضروری، در آموزش ارزش‌ها به شمار می‌آید. یکدلی و همدلی، نه تنها موجب افزایش درک و فهم ما از دیگران شده و آستانه تحمل ما را نسبت به آنها بالا

می‌برد، بلکه به‌عنوان انگیزه اصلی عمل ما نیز محسوب می‌شود. می‌توان گفت که قسمت عمده انگیزه عمل در اعتماد به نفس فرد است. کسانی که دارای اعتماد به نفس پایینی هستند، احساس عدم امنیت و احساس عدم دوست داشته شدن می‌کنند. از این‌رو، یکی از پیش نیازهای آموزش ارزش‌ها این است که متریبان احساس امنیت و اعتماد کرده و احساس کنند که می‌توانند به دیگران کمک کنند. ایجاد همدلی موجب افزایش یادگیری می‌شود.^{۴۸}

برای شناخت ارزش‌های انسانی، ما نیازمندیم که «وجود انسان». راه به همراه همه آنچه که در این هستی وجود دارد، همچنین نقش «انسان» را در ارتباط با هر یک از واحدهای موجود در هستی مورد مطالعه قرار دهیم.^{۴۹}

«تدارک برنامه‌های مشارکتی و حس همدلی، میل و علاقه به یادگیری را افزایش می‌دهد. قرار گرفتن در محیط‌های طبیعی و ایجاد گروه‌های مشارکتی و همدلی، منجر به افزایش یادگیری، به ویژه یادگیری ارزش‌ها می‌شود.^{۵۰}

توضیح و تبیین ارزش‌ها

این روش از رایج‌ترین روش‌های آموزش ارزش‌هاست. متریبی در صورتی می‌تواند به ارزش‌ها عمل کرده و از ضد ارزش‌ها دوری جوید که آنها را به خوبی شناخته، قادر به تمایز میان آنها باشد.

پیش فرض این روش آن است که یکی از دلایل روی نیاوردن افراد به رفتار اخلاقی و درونی نشدن ارزش‌ها، نداشتن تصور روشنی از رفتارهای اخلاقی و مزایا و معیارهای آن است. به عبارت دیگر، افراد مرزهای مخدوشی را که بین فضیلت‌ها و رذیلت‌ها وجود دارد، به خوبی تشخیص نمی‌دهند و به این ترتیب، تصور درستی از رفتارها ندارند.^{۵۱}

بیان معیارها

زمانی که معیارها و حدود و مرزها مشخص باشند، تخطی از این معیارها و خطای مرتکب شده به راحتی نمایان می‌گردد. معیارها به‌عنوان میزان و ملاکی برای سنجش عمل به شمار می‌آیند که براساس آنها، ارزشمند بودن یا نبودن عملی، مشخص می‌گردد. (رعد: ۲۸؛ ابراهیم: ۱۱؛ حج: ۴۱). مربی با بیان معیارها، در ایجاد تمایز میان دو جبهه ارزش و ضدارزش به متریبی کمک می‌کند.

تحلیل ضد ارزش‌ها و تبیین خطرات حاکم بر آنها

در آموزش ارزش‌ها، شاید بتوان گفت که بیان و تحلیل ضدارزش‌ها و شفاف نمودن ماهیت وجودی پلید آنها و خطراتی را که در پس هر یک از آنها نهفته است، به مراتب تأثیری عمیق‌تری بر آموزش متریبان خواهد گذاشت.

استدلال یا قضاوت اخلاقی

پیائزه و کهلبرگ داستان‌هایی مطابق طراز تحول شناختی کودکان مطرح می‌کردند که در ضمن آنها، قهرمان داستان بر سر دو راهی اخلاقی قرار می‌گرفت. در این روش، مخاطب داستان با استدلال‌هایی که بیان می‌کند قضاوت اخلاقی خود را استخراج می‌کند. در این روش، پیامدهای عمل با شیوه استدلالی و روشن برای فرد مجسم می‌شود. فرد با توجه به آنها، دست به انتخاب و تصمیم‌گیری می‌زند.^۲ پیائزه معتقد است که «هر رفتاری دارای یک جنبه احساسی یا فعال و یک جنبه ساختاری یا شناختی می‌باشد. نمی‌توان یکی از جنبه‌ها را به نفع دیگری تقلیل داد.^۳ مربی می‌تواند با بالا بردن سطح داوری اخلاقی متریبان، به آنان کمک کند تا مسائل را از زوایای مختلف بررسی نموده و با تأمل بر عواقب احتمالی ناشی از آنها، رفتارهای اخلاقی منطقی و مناسب را پیشنهاد و یا انجام دهد.

آموزش تلفیقی با سایر دروس علمی

در این روش، مربی یا معلم به طور مستقیم به آموزش ارزش‌ها نمی‌پردازد، بلکه به صورت ضمنی و در کنار آموزش سایر دروس، از جمله ریاضی، فیزیک و... یا از طریق ارائه سمینارها و سخنرانی‌های رهبران بارز مذهبی به این امر اقدام می‌کند.^۴ محدود کردن آموزش ارزش‌ها در زمان و مکان خاصی، آموزش را از جهت کمی و کیفی محدود می‌سازد. یادگیری و نکته‌آموزی درباره ارزش‌ها، زمان و مکان خاصی ندارد.

۳. مرحله سوم

مرحله بعد از آموزش یا مرحله پرورش: در حقیقت مهارت مربی در پایان این مرحله نمایان می‌شود؛ زیرا در پایان این مرحله، مربی توانسته یک متریبی زبده و فرهیخته را، که مجهز به سنگ محک و ابزار سنجشی جهت بازشناسی ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها است و به سادگی دچار انحطاط نمی‌شود تحویل اجتماع دهد.

افزایش دامنه توانایی شناختی متربی در حوزه ارزش‌ها

در این قسمت، مربی باید سعی کند تا بر اساس سن و نیاز متربی دامنه اطلاعات او را نسبت به مقوله ارزش‌ها ارتقاء دهد تا بتواند با حداکثر اطمینان، ارزش‌ها را از ضد ارزش‌ها باز شناسند، هر چند که آنها در هزاران لایه پنهان باشند و با هزاران رنگ چهره عوض کرده باشند.

معیار ارزشی

مربی بایستی متربی را متوجه این نکته کند که بسیاری از افراد، همانند عملگرایان، ارزشمند بودن چیزی را تنها بر اساس نتایج آن قضاوت می‌کند. این امر فرد را در تشخیص، دچار خطا می‌کند.

تأکید بر «نتایج» اخلاق نسبی را به دنبال می‌آورد و ارزش‌های عملی مطلق را نادیده می‌گیرد. به عبارت دیگر، این گونه اندیشیدن در باب ارزش «نتایج» را جایگزین «معیارها» می‌کند. در حالی که «نتایج»، تابع موقعیت‌ها است. اما معیار، تابع موقعیت‌ها نیست. لازم به یادآوری است که معیارهای ارزشی خود سلسله مراتبی دارند. بنابراین، ممکن است به هنگام تعارض میان مرتبه پایین و مرتبه بالاتر، دومی انتخاب شود.^{۵۵}

اقسام ارزش‌ها

در این مرحله، مربی به شیوه‌ای ملموس، بسته به سن و توان متربی به بیان ارزش‌های مطلق، غیرمطلق، ذاتی و عرضی می‌پردازد. شناسایی اقسام ارزش‌ها، گامی مؤثر در جهت افزایش دامنه آگاهی متربیان و توانایی تشخیص و تشکیل سلسله مراتب ارزش‌های آنها دارد.

سلسله مراتب ارزشی

عدم آگاهی متربی از سلسله مراتب ارزش‌ها به این امر منجر می‌شود که متربی در تشخیص امور و تصمیم‌گیری به خطا رود. ارزش‌ها از جهت ثبات و تغییر متفاوتند. در حالی که، برخی از ارزش‌ها مطلق و همواره ثابتند، برخی دیگر به نحو مشروط ثابتند و گروه سوم نسبی و متغیرند.^{۵۶}

ایجاد بصیرت و راهکارهایی جهت دوری از قضاوت‌های سطحی و عجولانه

به دلیل قضاوت‌های عجولانه و سطحی است که قرآن دائماً به ما هشدار می‌دهد که ای انسان! بسیاری از خیال‌ها و گمان‌های تو اساس ندارد. چه بسیار کارهایی که به نظر شما بد

است و شما نسبت به آن کراهت دارید، ولی در واقع به نفع شماست و چه بسیار چیزهایی که دوست دارید، ولی در واقع برای شما شر است (نساء: ۱۹)^{۵۷}

مربی باید حتماً مسائل ذیل را برای مربی بر طبق سن، ظرفیت و توان شناختی او بیان نماید. در صورت امکان با بیان مثال‌های متعدد مسائل را برای مربی قابل هضم و جذب نماید.

بیان راه‌های شناخت ارزش‌ها

برای تشخیص ارزش نوع رفتارها، به سه روش عقل، تجربه و وحی، نیازمندیم. درک موقعیت این سه منبع درک ارزش‌ها، از سوی مربی به مربی بسیار مهم است؛ زیرا توسل به آنها، تحت هر شرایطی از ملزومات حتمی دوری از خطا است^{۵۸}

شناخت تمهیدات و سازوکارهای شیطان و هوای نفس

آشنایی مربی با تمهیدات و سازوکارهای هوای نفس و شیطان، به‌عنوان دو دشمن اصلی و گمراه‌کننده انسان، موجب افزایش دامنه معرفتی و دید وسیع وی در تشخیص ضدارزش‌ها و مانع از انحراف وی گردد.

مربی بایستی بر اساس سن و میزان توان مربی به بیان آنها پرداخته و دامنه آگاهی مربی را افزایش دهد.^{۵۹} «هوای نفس عامل قدرتمندی است که هماهنگ با شیطان موجب انحراف فطرت و در نتیجه، سقوط فرد به ورطه گناه و خطا می‌گردد. در این میان، افراد ناآگاه و فاقد بصیرت به راحتی گمراه و نابود می‌شوند.»^{۶۱}

رعایت احتیاط

حضرت علی علیه السلام در مورد ترک امور شبهه‌ناک و عبور از مسیرهایی که احتمال گمراهی در آن است، توصیه به مراجعه به حکم عقل می‌کنند؛ زیرا عقل حکم می‌کند به دفع ضرر و در امور مشتبّه احتمال ضرر است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر چه که در آن شک داری رها کن و به آنچه شک نداری پرداز.»^{۶۲} از این‌رو، مربی باید مربی را به سمت محتاط بودن سوق دهد.

رعایت اعتدال و میانه روی

قرآن می‌فرماید: «منهم امه مقتصده» (مائده: ۶۶)، یعنی امتی است که در دین و تسلیم دستورات الهی معتدل باشد. اسلام دین اعتدال و میانه روی و در تمام شئون است.

حضرت علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «سیرته القصد»؛ روش او میانه روی و اعتدال بود.^{۶۳}

«مؤمن انسان متوازن و معتدلی است که در رفتار و کردار و اندیشه احساس و عاطفه‌اش اعتدال را ملاحظه کند.»^{۶۴}

برای روح چهار قوه عقل، شهوت، غضب و وهم برشمرده شده است که سایر قوا و نیروهای انسانی به نحوی مربوط به یکی از این چهار نیرو است. از این‌رو، رعایت اعتدال و دوری از افراط و تفریط در آنها لازم است.^{۶۵}

بیداری وجدان اخلاقی و ایجاد مسئولیت اخلاقی

وجدان اخلاقی عبارت است از: نیرویی که در باطن کلیه ملل، و اقوام از هر نژاد و طبقه‌ای وجود دارد. وجدان اخلاقی صاحب‌خویش را به هنگام ارتکاب جرائم به محاکمه کشانده و او را محکوم می‌کند.^{۶۶} آاز این‌رو، مربی باید متربی را در جهت بیداری وجدان اخلاقی به‌عنوان یکی از ابزارهای تشخیص ارزش از ضد ارزش و ایجاد تمایز میان آنها و دوری از شبهه‌ها یاری نماید.

تکرار و تمرین

برای ایجاد عادت معقول، مربی با تمرین‌های خاصی، متربی را یاری می‌کند تا به تکرار ارزش‌ها و مطالب آموخته شده بپردازد. «غزالی بیان می‌دارد که تکرار و تمرین دست‌مایه یادگیری است و بدون آن نمی‌توان در حیطه شناختی و یا رفتاری چیزی آموخت.»^{۶۷} لاین‌خلدون معتقد است که علاوه بر ارائه تمرین‌های عملی برای تکرار از سوی مربی، باید از متربی خواسته شود تا در محیط اجتماع به تمرین در کسب فضایل و دوری از رذایل بپردازد.^{۶۸}

پس از طی مرحله تکرار و تمرین، ارزش‌ها به‌صورت عادت در می‌آیند. البته عادت‌هایی که پایه و اساس معقول دارند. انتظار می‌رود که افراد پس از طی این سه مرحله، به یک انسجام اخلاقی دست یابند. کولبی و دامون (۱۹۹۲) معتقدند افرادی که دارای انسجام اخلاقی هستند، دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

تعهد قوی به ایده‌آل‌های اخلاقی، تمایل به عمل مطابق ایده‌آل‌ها و اصول اخلاقی، تمایل برای به‌خطر انداختن علائق فردی به دلیل اهمیت دادن به ارزش‌های اخلاقی،

تمایل به الهام رساندن به دیگران در جهت سوق دادن آنها به انجام اعمال اخلاقی، حس انسانیت واقع بینانه و اهمیت ارتباط با دنیای پیرامون و افراد.^{۶۹}

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت ارزش‌ها در شکل‌گیری رفتار افراد و ایجاد ثبات در جامعه، لزوم آموزش و اشاعه صحیح آنها ضروری به نظر می‌رسد. تدارک چنین برنامه آموزشی مهمی، نیازمند عوامل گوناگونی است که از جمله مهمترین این عوامل می‌توان به روش مناسبی جهت آموزش اشاره کرد. روش‌ها همچون ابزار اصلی کار می‌باشند که بدون آنها، کار عملاً به نافرجامی می‌کشد. و عملاً جریان آموزش با شکست مواجه می‌شود. روشی که محقق در این تحقیق، برای آموزش ارزش‌ها ارائه نموده است، روش جدیدی است با عنوان «روش پله‌کانی آموزش ارزش‌ها» که از سه مرحله اصلی تشکیل شده است: الف. مرحله قبل از آموزش یا «آمادگی و آگاهی». در این روش مربی با بیان هدف و طی مراحل شناخت با توضیح و تبیین ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، زمینه و آمادگی لازم را در مرتبه ایجاد کرده و آگاهی او را نسبت به مقوله ارزش‌ها بالا می‌برد. ب. مرحله آموزش یا «پایه گذاری» که در این مرحله محقق به ارائه سی و چهار روش فرعی می‌پردازد. مربی می‌تواند به صلاح‌دید خویش، یک یا چند روش را جهت آموزش به کار گیرد. پ. مرحله بعد از آموزش یا «پرورش». در این مرحله، مربی سعی می‌کند تا با ایجاد بینشی عمیق، مرتبه را از سطحی نگری دور ساخته و با مهارت‌های لازم، قدرت تشخیص آنها را در جهت ایجاد تمایز میان ارزش‌ها، ضد ارزش‌ها و شبه ارزش‌ها بالا برده و مانع از خطا گردد. پس از طی شدن مرحله سوم، می‌توان امید داشت که مرتبه به سمت درونی شدن ارزش‌ها پیش رود. برای ایجاد این تحولات فرهنگی و ارزشی، ایجاد تحولات عمیق در نفوس و درون انسان‌ها، لازم ضروری است. برای ایجاد این تحولات، شیوه‌های فرهنگی، اعتقادی، تربیتی و آموزشی ضروری است. از این‌رو، بسترسازی و فراهم کردن زمینه لازم و مساعد و همزمان با آن، به کارگیری روش‌های سنجیده در جهت آموزش ارزش‌ها، راهکارهایی است که در راستای دستیابی به این هدف پیشنهاد می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ژبلا مرادی، درونی شدن ارزش‌ها، ص ۲۷.
۲. ر.ک: شمس الله مریجی، عوامل مؤثر در انحراف ارزش‌ها.
۳. احمد رهنمایی، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ص ۴۹-۵۰.
۴. سیدحسن سیدی، بررسی روان شناختی تحول ارزش‌ها، ص ۶۲.
۵. علی اکبر ترابی، مبانی جامعه شناسی، ص ۷۳.
۶. N, Venkataiah, *Value education*, p. 36-37.
۷. ر.ک: عبدالله بابایی، ارتباط ارزشهای انسانی.
۸. آرنولد، گریز، فلسفه تربیتی شما چیست؟ ترجمه: دکتر بختیار شعبانی ورکی، دکتر لطفعلی عابدی، دکتر نعمت الله موسی پور و همکاران. ۳۲۲-۳۲۳.
۹. عباسعلی شاملی، در تکاپوی رسیدن به مدلی از توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی: جستاری در نظریه ارزشی علامه متفکر آیت الله سید محمد باقر صدر (رحمه الله)، دانشگاه مونترال کانادا. رساله دکتری.
۱۰. زهره خسروی و خسرو باقری، «راهنمای درونی کردن ارزشهای اخلاقی از طریق برنامه درسی»، *مطالعات برنامه درسی*، ش ۲، ص ۸.
۱۱. مجتبی موسوی لاری، رسالت اخلاق در تکامل انسان، ص ۱۲۱-۱۲۰.
۱۲. ر.ک: اکبر رهنما، درآمدی بر تربیت اخلاقی: مبانی فلسفی - روان شناختی و روش‌های آموزش اخلاق.
۱۳. حمیدرضا علوی، بررسی تطبیقی نظرات تربیتی اسلام و ژان ژاک روسو، ص ۱۰۵.
۱۴. ر.ک: محمد غزالی، *کیمیای سعادت*، ج ۲.
۱۵. علی فایضی، تربیت، روشها، اخلاق، ص ۱۶۸.
۱۶. بهروز رفیعی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ص ۱۵۳-۱۵۲.
۱۷. عبدالکریم عثمان، روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، دفتر دوم، حالات و جنبش‌های روانی رفتار، عاطفه و دین، ترجمه دکتر سیدمحمد باقر حججی، ص ۳۳۹.
۱۸. عبدالحسین نقیب‌زاده، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ص ۴۶.
۱۹. محمد عطاران، آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، ص ۱۲۵.
۲۰. عبدالحسین نقیب‌زاده، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ص ۴۴.
۲۱. <http://www.cortland.edu/character/articles/100ways/doc>
۲۲. محمدهدی رکنی، لطایفی از قرآن کریم (برگزیده از کشف الاسرار و عده الابرار)، ص ۴۷.
۲۳. ر.ک: احمد دیلمی و مسعود آذربایجانی، *اخلاق اسلامی*.
۲۴. محمد عطاران، آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، ص ۱۲۳.
۲۵. مجید رشیدپور، چگونه باید بود؟، ص ۱۰۷ و ۱۱۳.
۲۶. R.P Shukla, *Value education and human rights*, p. 11.
۲۷. محمود اکبری، مذهب گرایی و مذهب گریزی جوانان، ص ۸۲.

۲۸. ر.ک: مجید رشیدیپور، چگونه باید بود؟.
۲۹. احمد احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۱۳۰ و ۱۳۴.
۳۰. حکمت ۶۱، ۲۳۲ و ۴۲۴.
۳۱. کارل یاسپرس، افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی، ص ۷۵.
۳۲. دبلیو. آر میلر، ماری اف میلر، ترجمه ویدا میری، راهنمای تدریس در دانشگاه‌ها، ص ۱۷۸.
۳۳. علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ تربیت فرزند، ج ۱، ص ۱۰۶.
۳۴. عباسعلی رستمی‌نسب، فلسفه تربیتی ائمه اطهار ﷺ، ص ۱۲۵-۱۲۴.
۳۵. محمدحسین طباطبائی، تعالیم اسلامی، ص ۵۵۳.
۳۶. رجبعلی مظلومی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، ص ۱۷۹.
۳۷. محمد قطب، روش تربیتی اسلام و کاربرد آن، ترجمه محمود ابراهیمی، ص ۲۸۴.
۳۸. غلامحسین حیدری‌تفرشی و رضایوسفی سعیدآبادی، تربیت اسلامی (روشها، اصول و مفاهیم)، ص ۱۲۲.
۳۹. شهین لودین، کاربرد دریچه‌های پنهان تربیت، ص ۱۷۰.
۴۰. جی اف کارتلیج، میلبرن، آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمدحسین نظری نژاد، ص ۱۵۴.
- £ Howard Kirchenbaum , A Comprehensive Model , For Values Education And Moral Education , phi Delta Kappa, V 73, N10, (Eric).
۴۲. مصطفی عباسی مقدم، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، ص ۳۳۱.
- £ Albert W. Musschenga , Education For Moral Integrity, *Journal Of Education*, Vol 35, No 2, pp127, ۱۳۰.
۴۴. عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، ص ۹۶.
- £ Howard Kirchenbaum , A Comprehensive Model , For Values Education And Moral Education, 1992 ,V 73 ,N10, (Eric ,No , EJ 445733) .
- £ David Carr, Moral Values and The Arts In Environmental Education , Towards An Ethics Of Aesthetic Appreciation , USA,Journal of Philosophy of Education ,2004,VOL 38 , No 2.
- £ Graham Haydon, values education :sustaining the ethical environment ,UK.Journal Of Moral Education ,2004, vol 33 ,No 2 ,p.116.
- £ Richard Baily,Teaching values and citizenship across the curriculum,p.11 .
- £ R.R Gaur , R Sangal , GP Bag aria , Introduction To Value Education .
- £ David D .Williams , Stephen C . Yanchar ,Larry C. Jensen, Character Education In Education In A Public High School: A Multi-Year Inquiry into Unified Studies ,USA :Brigham Young, University, Utah , Povo, Journal Of Moral Education ,2003,Vol 32, No 1, p.25,27.
۵۱. زهره خسروی و خسرو باقری، راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی، ص ۹۲ .
۵۲. احمددیلیمی و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، ص ۱۹۶.
- £ Daniel Brugman ,*The Teaching And Measurement Of Moral Judgment Development* ,V 32, N 2, P ۱۹۸.

۵۸, Venkataiah, *Value education*, p. 15.

۵۵. خسرو باقری، محمد عطاران، فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، ص ۱۲۵.
۵۶. خسرو باقری، درآمدی بر فلسفه ی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۲۶.
۵۷. محسن قرائتی، درس‌هایی از قرآن، ص ۹۴.
۵۸. ر.ک: مجتبی مصباح، بنیاد اخلاق «روشنی نو در آموزش فلسفه اخلاق».
۵۹. ر.ک: ابوالقاسم حسینی، بررسی مقدماتی اصول روان شناسی اسلام.
۶۰. ر.ک: محمد رضا بارگاهی، زندگی بهتر در پرتو اخلاق.
۶۱. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم (مبانی، اخلاق در قرآن)، ص ۳۱۸.
۶۲. عبدالمجید زهادت، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، ص ۲۱۳.
۶۳. همان.
۶۴. محمد قطب، روش تربیتی اسلام و کاربرد آن، ترجمه محمود ابراهیمی، ص ۳۱۵.
۶۵. ر.ک: محمد حسن فهیم‌نیا، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن.
۶۶. عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.
۶۷. بهروز رفیعی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ۲۸۱-۲۸۰.
۶۸. ر.ک: محمد بهشتی و همکاران آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۴.

۶۸. Albert W. Musschenga, *Education For Moral Integrity*, V35, N2, p, 234.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمدرضا صفوی، قم، معارف، ۱۳۸۷.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، جمال، ۱۳۸۷.
- صحیفه کامله سجادیه، ترجمه جواد، فاضل، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان، واحد فوق برنامه پخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۶۴.
- احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، چ چهارم، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰.
- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰.
- اکبری، محمود، مذهب گرای و مذهب گریزی جوانان، قم، فنیان، ۱۳۸۸.
- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- بابایی، عبدالله، ارتباط ارزش‌های انسانی، زنجان، دستان، ۱۳۷۲.
- بارگاهی، محمدرضا، زندگی بهتر در پرتو اخلاق، چ دوم، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی جنوب تهران، ۱۳۷۶.
- باقری، خسرو و عطاران، محمد، فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، تهران، سوره، ۱۳۷۶.
- ، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶، ج ۱.
- بهشتی، محمد و فقیهی، علی‌نقی و ابوجعفری، مهدی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، چ سوم، تهران، سمت، ۱۳۸۷، ج ۴.
- جوادی‌آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (مبانی، اخلاق در قرآن)، چ سوم، قم، اسراء، ۱۳۷۹.
- حسینی، ابوالقاسم، بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی اسلام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
- حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ تربیت فرزندان، چ نهم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ج ۱.
- حیدری تفرشی، غلامحسین و رضا یوسفی سعیدآبادی، تربیت اسلامی (روش‌ها، اصول و مفاهیم)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- خسروی، زهره، و خسرو باقری، «راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی»، مطالعات برنامه درسی، ۱۳۸۷، ش ۲، ص ۸.
- دیلمی، احمدو آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، چ پنجاه و سوم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
- رستمی نسب، عباسعلی، فلسفه تربیتی ائمه اطهار، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۸.
- رشیدپور، مجید، چگونه باید بود؟، چ سوم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، چ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۸، ج ۳.
- رکنی، محمدمهدی، لطایفی از قرآن کریم (برگزیده از کشف الاسرار و عده الابرار)، چ هشتم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
- رهنما، اکبر، درآمدی بر تربیت اخلاقی: مبانی فلسفی - روان‌شناختی و روش‌های آموزش اخلاق، تهران، آبیژ، ۱۳۸۸.
- رهنمایی، احمد، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
- زهادت، عبدالمجید، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم، فتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
- سیدی سیدحسن، بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، تهران آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
- شاملی، عباسعلی، در تکاپوی رسیدن به مدلی از توسعه فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، جستاری در نظریه ارزشی علامه متفکر آیت الله سید محمد باقر صدر (رحمه الله)، دانشگاه مونترال کانادا، رساله دکتری، ۱۹۹۹.
- شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، چ نوزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تعلیم اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

- عباسی مقدم، مصطفی، *اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- عثمان، عبدالکریم، *روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، دفتر دوم، حالات و جنبش‌های روانی رفتار، عاطفه و دین، بی جا، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
- عطاران، محمد، *آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک*، چ چهارم، تهران، مدرسه، ۱۳۷۵.
- علوی، حمیدرضا، *بررسی تطبیقی نظرات تربیتی اسلام وژان ژاک روسو*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۸.
- _____، *فرهنگ تفضیلی مفاهیم فلسفی و فلسفی-تربیتی «فارسی-انگلیسی»*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۹.
- غزالی، محمد، *کیمیای سعادت*، بی جا، بی تا، ج ۲.
- فایضی، علی، *تربیت، روش‌ها، اخلاق*، چ دوم، تهران، طراحان نشر، ۱۳۷۸.
- فهیمن‌نیا، محمدحسین، *مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن*، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۹.
- قرائتی، محسن، *درس‌هایی از قرآن*، قم، دفترانتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵.
- قطب، محمد، *روش تربیتی اسلام و کاربرد آن*، ترجمه، محمود ابراهیمی، سندج، آراس، ۱۳۸۹.
- کارتلیج، میلبرن، جی اف، *آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان*، ترجمه محمد حسین نظری‌نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- گریز، آرنولد، *فلسفه تربیتی شما چیست؟*، ترجمه دکتر بختیار شعبانی ورکی، دکتر لطفعلی عابدی، دکتر نعمت‌الله موسی پور و همکاران، مشهد، به نشر، ۱۳۸۳.
- لودین، شهین، *کاربرد دریچه‌های پنهان تربیت*، مشهد، واسع، ۱۳۸۳.
- مرادی، ژیلا، *درونی شدن ارزشها*، تهران، مدحت، ۱۳۸۷.
- مریجی، شمس‌الله، *عوامل مؤثر در انحراف ارزشها*، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷.
- مصباح، مجتبی، *بنیاد اخلاق «روشنی نو در آموزش فلسفه اخلاق»*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- مظلومی، رجبعلی، *گامی در مسیر تربیت اسلامی*، تهران، آفاق، ۱۳۸۹.
- موسوی لاری، مجتبی، *رسالت اخلاق در تکامل انسان*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- میلر، دبلیو.آر؛ میلر، ماری اف، *راهنمای تدریس در دانشگاه‌ها*، ترجمه ویدا میری، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
- نقیب‌زاده، عبدالحسین، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، طهوری، ۱۳۸۰.
- یاسپرس، کارل، *افلاطون*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.
- Bailey, Richard, *Teaching values and citizenship a cross the curriculum*, London, Routledge falmer, 2004.
- Brugman, Daniel, The Teaching And Measurement Of Moral Judgment Development, *Journal Of Moral Education*, 2003, Vol,32, No 2.
- Carr, David, *Moral Values and The Arts In Environmental Education*, Towards An Ethics Of Aesthetic Appreciation, USA, Journal of Philosophy of Education, 2004, VOL 38, No .2.
- D .Williams, David ;C. Yanchar .Stephen; C. Jensen, Larry, *Character Education In Education In A Public High School*, A Multi-Year Inquiry into Unified Studies, USA, Brigham Young University, Utah, Povo, Journal Of Moral Education, 2003, Vol,32, No,1.
- Dix, G.H, Child study – with special application to the teaching of religion, London, Longmans, Green and co, 1915.
- Gaur, RR. Sangal, R. Bag aria, GP, Introduction To Value Education, New Delhi, Excel books, 2010.
- Haydon, Graham, values education :sustaining the ethical environment, London, university of London, UK. Journal Of Moral Education, 2004, vol 33, No .2.
- Kirchenbaum, Haward, , A Comprehensive Model For Values Education And Moral Education, phi Delta Kappa, 1992, V 73, N10, (Eric).
- Shukla, R.P, Value education and human rights, New Delhi, sarup & sons, 2004.
- Venkataiah, N, Value education, New Delhi, S.B. Nangia, 2007.
- W.Musschenga, Albert Education For Moral Integrity, Oxford, Journal Of Education, 2001, Vol, 35, No,2. <http://www.cort land.edu/character/articles/100ways/doc>